

انجمن نظارت حوزه ستر و علمای آنجا و طبقات دیگر اهالی صحت و آزادی جریان انتخابات آنجا را تصدیق کرده‌اند و راجع به مجروح شدن دونفر هم تکذیب نموده‌اند ثانیاً يك ورقه که موسوم به دوسیه عدلیه نموده و ورقه نظام دیوان که مدرک اظهار شکایت کنندگان قرار داده شده است به‌یچوجه از اعمال نفوذ تهدید در جریان انتخابات حاکمی نبوده بلکه مربوط به استرداد اموال غلام موسی میباشد بنابراین دوسیه عدلیه و اعتراض بجرایان انتخابات برای شعبه مکشوف نگردید و این اعتراض غیر وارد است و مدلول اعتراض ششم (اعمال نفوذ در حوزه هرسین است که از طرف امیرکل بوسيله اعظم السلطه میگویند اعمال شده است و برای تأیید این ادعا دو فقره مکتوب یکی بامضای حسن نام و دیگری بامضای رئیس العلماء ارائه می‌نمایند شعبه پس از دقت در صورت مجلس هرسین و نیافتن هیچ نوع شکایتی در موقع جریان انتخابات و تصدیق صحت آن از طرف انجمن نظارت که از جمله رؤس العلماء بوده است این شکایت را وارد ندانسته و مورد توجه قرار نمی‌دهد (مدلول شکایت هفتم) راجع به حوزه کردند هم يك فقره شکایت بهمر ۲۳ نفر و يك سوآلی از سبب السادات نام که مستخدم امنیه بوده است ملاحظه شد نظر باینکه اظهارات آنها دلیل و مدرکی نداشت طرف توجه شعبه واقع نگردید (مدلول شکایت هشتم) راجع به کنگاور اخیراً ورقه سؤال و جوابی متناسب به شیخ عبدالصمد رئیس انجمن کنگاور از طرف آقا شیخ علی بشعبه داده شده که در جواب می‌نویسد که متتبعین را غالب رأی دهندگان نمی‌شناسند و از سوء جریان انتخاب مکرر ایراد نمودم جوابی نشنیدم اولاً آقا شیخ عبدالصمد در صورت مجلس انتخابات کنگاور صحت جریان انتخابات را تصدیق نموده و تا موقع دایر بودن امر انتخابات به‌یچوجه تعرض نکرده علاوه بر این سؤال با مهری که در صورت مجلس انتخابات است بکنایه مخالف و در صورتیکه این ورقه را بایشان هم میتوان نسبت داد براین اعتراض که مدتی بعد از جریان انتخابات و بعد از تصدیق حتمی که در موقع خود شده ترتیب اثری نمیتوان داد اوراقی هم که راجع به تهدید آقا شیخ علی و غیره بآن استشهاد میشود در آن ذکری از انتخابات نبوده بلکه حاکی از یزاده اعتراضات اخلاقی است که نسبت به آقا شیخ علی آخوندزاده در دو ورقه بی‌امضاء نوشته شده داده‌اند که ذکر آنها در راپورت غیر لازم و خارج از نزاکت است در مقابل شکایات واصله عدله کثیری از طرف احزاب و طبقات مختلفه علماء و آقایان و اهالی شهر و اطراف و ایلات از قبیل کلهر تلگرافات عدیده بامضای معارف مبنی بر تصدیق صحت انتخابات آن حدود و تکذیب شکایت کنندگان مغایره کرده‌اند شعبه پس از مذاقه کامل

مخالفتی با قانون انتخابات در جریان و عملیات انتخابیه کرمانشاهان ندیده و بالتبعیه صحت انتخابات آنجا و نمایندگی شاهزاده نصرالدوله را به (۱۹۴۶) و آقای معتمد الدوله را به (۱۸۶۷۰) رأی تصدیق مینماید
رئیس - نسبت باین راپورت مخالفی هست
طباطبائی - بنده معالفاً
رئیس - پس بمباید برای روز شنبه راپورتی است راجع به آقای طباطبائی قرائت میشود آقای حاج شیخ اسدالله راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند
شعبه ششم رسیدگی بدوسیه انتخابات حوزه ساوجبلاغ و شهریار و توابع و نمایندگی آقای آقامیرزا محمد صادق طباطبائی نموده انتخابات حوزه مزبوره بقرار ذیل است
انجمن مرکزی در تاریخ ۲۸ ذی حجه ۱۳۳۷ درقریه کردان تشکیل گشته و پس از اعلان انتخابات مدت ۱۶ روز در ساوجبلاغ تفرقه داده و ۵ روز اخذ رأی نموده اند و در حوزه‌های جزء از قبیل شهریار و بلوک برقان و اشتیارد انجمن های جزء تشکیل و مطابق قانون انتخابات را جریان و خاتمه داده اند و آقای آقامیرزا محمد صادق طباطبائی با کثرت ۶۷۵۶ رأی منتخب شده‌اند چیزی که در دوسیه دیده شده این است که درفشند که در جدول انتخابات جزء حوزه های جزء نوشته شده انجمن جزء تشکیل نگشته شعبه در مقام کشف علت برآمد معلوم شد بواسطه قرب و نزدیکی بکردان انجمن مرکزی تشکیل انجمن را در آنجا لازم ندانسته و چند فقره شکایات هم در دوسیه بوده چون مراد شکایات با دلایل کافی دیده نشده شعبه تنواست به شکایات ترتیب اثر بدهد و پس از افتتاح مجلس هم شکایتی نرسیده لذا شعبه ششم باتفاق آراء صحت انتخاب و نمایندگی آقای آقا میرزا محمد صادق طباطبائی را از حوزه ساوجبلاغ و توابع تصدیق مینماید
رئیس - راجع باین راپورت مخالفی نیست (گفته شد خیر) رأی میگیریم بنمایندگی آقای آقامیرزا محمد صادق طباطبائی آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب میفرمایند قیام نمایند (جمع کثیری قیام نمودند) رئیس تصویب شد چون ظهر شده است بقیه اعتبار نامه‌ها را اگر تصویب نمایند بماند برای روز شنبه چهار ساعت قبل از ظهر
مدرس - بماند برای یکشنبه چون روز شنبه شعبه کار دارند
آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم روز یکشنبه باشد
رئیس - پیشنهاد میشود جلسه روز یکشنبه باشد آقایانیکه روز یکشنبه را برای تشکیل جلسه تصویب مینمایند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد
رئیس مجلس مؤتمن الملک

جلسه ۵

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه

۲۵ ذیقعدہ ۱۳۳۹ مطابق ۹ اسد ۱۳۰۰

مجلس تقریباً دوساعت و نیم قبل از ظهر در وقت راست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس پنجشنبه ۲۲ را آقای نصرت الدوله قرائت نمودند
رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی هست یا نه

حائری زاده - اعتبار نامه آقای طباطبائی باتفاق آراء تصویب شد نه با کثرت

رئیس - دیگر اعتراضی نیست - (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد با پیشنهاد حائری زاده يك جزء دستور امروز راپورت شعبه ششم است راجع بانتخاب کرمانشاهان آقای طباطبائی مخالف بودند

طباطبائی بلی آقا -

رئیس - بفرمایند

طباطبائی - راجع بانتخاب کرمانشاهان همان طوریکه در جلسه قبل هم عرض کردم مخالف هستم و مخالف بنده هم از نقطه نظر ...

سر دار معظم - بلندتر بفرمایند

طباطبائی - عرض کردم بنده راجع بانتخابات کرمانشاهان مخالف هستم و مخالف بنده از نقطه نظر انتخابات است هم از نقطه نظر شخص منتخب است البته بنابر وظیفه بایستی من امروز مخالفت خودم را عرض کنم و پس از آنکه بنده عقاید خودم را عرض کردم بدیهی است حکمیت را آقایان نمایندگان خواهند فرمود بنده وقتی آدمم جمعی از آقایان می‌متواتر آینه اظهار کردند خوب است این مذاکرات در مجلس نشود یعنی مذاکراتیکه خارج از مسئله انتخابات است و فرمودند مهیا ممکن باید رعایت حفظ مراتب مجلس بشود و مذاکرات بکمیسیون تحقیق رجوع بشود اگر مسئله حل نشد بعد از آن بتصویب مجلس موکول شود بنده چون يك مقصود شخصی و يك اجاباتی ندارم فقط مقصودم آن بود که یک حقایقی که در نظر من ثابت و قطعی است عرض بکنم چون آخرین معکله انتخابات مجلس شورای ملی است آن وقت بینم تمایلات آقایان نمایندگان چه چیز است علیهذا قبول کردم و گفتم اگر دیگران پیشنهاد بکنند بنده مخالفت نخواهم کرد اگر آقایان می‌خواهند خودشان پیشنهاد بکنند و خیلی هم اصرار کردم البته تصدیق میکنید که وظیفه بنده مقتضی نبود که این تقاضا را بکنم زیرا برای بنده مخفوراتی داشت که برای آقایان نداشت این عرض من در اینجا فقط از این نقطه نظر بود که بینه نتوانند بگویند ملاحظه جیبیات مجلس را نکردم و تصبیح آقایانرا گوش ندادم بنده هم قبول کردم ولی آقایان هیچکدام حاضر نشدند که خودشان این پیشنهاد را بکنند این است که حالا اینجا آمده‌ام که عریض بفرماید خود را بر عرض آقایان برسانم آمدم بر مسئله انتخابات اولاً راجع بجرایان انتخابات

می‌خواستم ایضا عرض کنم که اگر آقایان نمایندگان بایک نظر انصاف و بیطرفی بحال کرمانشاهان در موقع انتخابات آنجا رجوع بکنند برای عدم تصویب این اعتبارنامه هیچ محتاج نیست بدوسیه مراجعه شود زیرا که انتخابات کرمانشاه در سال ۱۳۳۷ بود و در آن موقع يك کابینه در طهران وجود داشت که حقیقه کابینه اقتدار کابینه دیکتاتوری - کابینه آمریت بود و حاکمیت آن کابینه نسبت بتمام قوانین موضوعه مجلس به‌یچیک از آقایان و کلاه پوشیده نیست حتی آقایانیکه آن کابینه را منتهی درجه شدت تنقید میکردند در این مجلس هستند در آن موقع اخوی حضرت والا منتخب کرمانشاه در آنجا حکومت داشت معلوم است جریان اغلب انتخابات در این دوره بر هیچکس مخفی نیست دخالت حکومت و غالب مامورین نظامی حکومتی که بدن مقدمه حبس و نفی و اعدام میکردند معلوم است چقدر در انتخابات تاثیر دارد قانون انتخابات حاکم را صلاحیت انتخاب شدن نمیدهد طبیعی است از نقطه نظر صلاحیت گمان نمیکنم مابین يك برادری مثل شاهزاده سالار لشکر با خود آقای نصرت الدوله بتوان فرق گذاشت زیرا اگر آقای نصرت الدوله خودشان در آنجا تشریف داشتند و می‌خواستند انتخاب شوند پیش از آقای سالار لشکر اعمال نفوذ نمیکردند حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله کرمانشاهی نیستند که بگویم بواسطه تمایلات ولایتی انتخاب شده اند اگر از نقطه انتخاب میشدند که حاکم آنجا اخوی ایشان و مامورین جزء و کل آنجا از بستگان خودشان نبوده شاید بنده در این قضیه آنقدر اهتمام نمیکردم اما با این ملاحظه باز لازم است که بنده عرض کنم که انتخاب کرمانشاه از روی آزادی عقیده نبوده مبنی بر اجبار بوده است آیا با این حال لازم است بنده يك اسنادی اینجا ارائه بدهم؟ در حالیکه هر آدم متعمقی در مرتبه اولی میتواند بفهمد که انتخاب يك چنین محلی مبنی بر آزادی نبوده در این موقع یا همه آقایان نمایندگان یا اکثر آقایان میدانند که در طهران يك کمیسیون وجود داشت رسمی یا غیر رسمی که حالا بنده می‌خواهم توضیحات بدهم ولی يك کمیسیونی بود که غالب و کلاً را کاندید مومین میکردند و خیلی اصرار میکردند در انتخاب آنها آقای نصرت الدوله در آن کمیسیون يك نفوذ فوق العاده داشتند بدیهی است از آن کمیسیون کاندیدا میشدند و شاهزاده اخویشان هر اقدامی کنند کسانشان همراهی میکنند با این حال شعبه ششم هیچ این حقایق را در نظر نمیگیرد و فقط بیک صورت ماست مالی اعتراضات معترضین را درهم و برهم میکند و تعمق و تأملی که باید در آنها بشاید یعنی که باید بکنند هیچ نکرده فوراً میگوید که انجمن نظارت رد کرده بود و مدرکی در دست نبوده و اعتراضات آنها قابل توجه نبوده و چه و چه اگر شعبه رأی انجمن نظارت را قاطع میدانند پس باید

تصدیق کرد که معاکمه شعبه و معاکمه مجلس لنو است زیرا تصدیق انجمن نظارت و صورت مجلس انجمن نظارت کافی بود از اینکه مجلس او را يك وکیل ثابت الو کاله بداند پس ما هیچ نمیتوانیم اظهارات يك انجمن نظارتی را مستند قرار بدهیم مگر اینکه خودمان مستقیماً داخل مستندات ورلی انجمن نظارت بشویم و آنوقت خودمان بفهمیم که فلان انتخاب صحیح است یا باطل کاملاً از راپورت شعبه (اگر آقایان تعمق بکنند) مفهوم میشود که شعبه هیچ همچو تحقیقاتی نکرده لایحه اعتراض معترضین را اگر نگاه کنیم می‌بینیم در هر يك از مسائل يك اعتراضی هست اولاً راجع باستغای انجمن نظارت در این لایحه اعتراض شده است که یکمده از انجمن نظارت استفا کردند و یکمده استتکاف نمودند و راپورت شعبه ششم هم تصدیق میکند که عدم مستتکاف شده اند و حکومت عوض آنها را انتخاب کرده در صورتیکه فضا يك انجمن وقتیکه استفا نکند و کناره بکند نمیشود بجای اوعضو دیگران را انتخاب کرد یا باید استفا کند یا اینکه باید با کثرت قناعت کنند معلوم است از نقطه نظر قانون عصویت و نفر خارجی در انجمنی که عضویت ندارند اطمه بصحت جریان انتخابات وارد میشود در بعضی جا ها شعبه اظهار کرده است که چون فلان اعتراض کننده مدرکی در دست نداشت قابل توجه نبود بنده می‌خواهم ارشع سوال کنم که مدرک يك معترضی از چه قبیل است آیا باید يك حکمی از حاکم شرع بیاورد؟ یا باید دستخطی از رئیس الوزرا بیاورد؟ یا يك فرمان دولتی بیاورد؟ آیا جرحیات شهر و اظهارات افرادی که داخل در جریان انتخابات بودند برای مدرک شکایات خود چه سندی باید ارائه دهد چنانچه آقایان در کتابچه اعتراضیه ملاحظه فرمایند میبینند که معترضین هر کدام برای اثبات هر فقره از شکایات خودشان يك سندی در دست دارند از اعضاء انجمن نظارت از مامور حکومت واز سایرین معذالك هیچیک از آنها را شعبه محل اعتنا قرار نداده و هر چه تلاش داشته است کرده است که استغاره خوب بیاید مطابق اعتراضاتیکه شده خیلی و اگر واقعا آقایان نمایندگان با نظر قضاوت بدون توجه بمسائل خارجی رجوع بآن واقعات بکنند هیچ لازم نیست که دلیل دیگری برای فساد این انتخاب آمده و در مقابل یکی از اعتراضات معترضین می‌گویند این مسئله راجع باسترداد اموال غلام موسی بوده و خودش را غافل میکند که آیا مسئله غلام موسی واسترداد اموال او در وسط جریان انتخابات برای چه بوده؟ و برای چه اموال او رفته؟ عجیتر از همه این است که در آخر راپورت می‌نویسند بعد از زیادی از طبقات اهالی اظهار رضایت کرده‌اند آیا يك قاضی میتواند بصرف اینکه جمعی اظهار رضایت کرده‌اند از يك امر قضائی قفلت کند؟ بنده عرض میکنم رضایت تمام دنیا شکایت يك نفر را کم نمیکند و دلیل باشد رفع نمیکند فرض کنیم که يك اشخاصی هم اظهار رضایت کرده باشند رضایت مستند قضاوت

کرده‌اند معذالك شعبه بمساعده گذرانیده و هیچ اعتنائی باظهارات آنها نکرده فقط گفته است انجمن نظارت آن را رد کرده مامرد میکنم محرومیت عشایر کرمانشاه یکی از مهمترین مسائل عدم صحت انتخابات است زیرا کسانیکه از کرمانشاه اطلاع دارند میدانند عدم عشایر کرمانشاه شاید متجاوز از نصف کرمانشاه باشد چطور ممکن است نصف ذوی الحقوق را از انتخاب محروم کنیم؟ و آن انتخاب را صحیح بدانیم؟ بلی يك رشته از عشایر شکایت نکرده‌اند بله در آن موقع و با آن حالت و آن روز شکایت برای آنها ممکن نبود با بودن قوای خارجی در آنجا البته جرئت شکایت برای آنها نبود آن هم در نقاط دور افتاده اگر ایل سنجایی هم شکایت کرده است همه ماجرت وفدا کارهای ایل سنجایی را میدانیم که از هیچ چیز نمی‌ترسند وفدا کارهای بزرگ کرده‌اند و خودشان را برای مصالح این مملکت فنا کرده اند البته آن ها فقط می‌توانند جرئت بکنند و داخل شکایت از انتخابات بشوند دیگران جرئت نکرده و عدم اظهار آنها دلیل بر عدم جرئتشان بوده حالا اعم از اینکه شکایت بکنند یا نکنند وقتی که ما دیدیم یکمده از انتخاب محروم مانده‌اند و از اوضاع آن حدود هم بخوبی اطلاع داریم فرقی نمیکند که شکایت بکنند یا نکنند شعبه که بنفرستان یک شعبه جزء انجمن نظارت بيك دهی که در يك فرسخی مرکز حوزه انتخابات واقع است اینطور اهمیت میدهد و در شعبه اشاره بآن میکند چطور می‌تواند از محرومیت يك ایل بزرگی چشم ببوشد ایل سنجایی تقاضا کرده است که چند روزی بر مدت علاوه کنند که آنها بتوانند از گرمسیر مراجعت کنند و بآنها اجازه داده‌اند و موافقت نکرده‌اند و متوقع بودند که عشایر آنجا از بیست و سی فرسخی زندگی خود را رها کنند و بیایند بفلان ده ورای بدهند و می‌گویند چون نیامده‌اند حقشان اسقاط شده واقعات حوزه ستر و کلیاتی و اوراق استشهادیه که تمام کرده‌اند در دوسیه موجود است و وضعیت حوزه هرسین کاملاً اعمال نفوذ غیر مشروع و اجبار منتخبین را واضح و مبرهن می‌نماید و اگر واقعا آقایان نمایندگان با نظر قضاوت بدون توجه بمسائل خارجی رجوع بآن واقعات بکنند هیچ لازم نیست که دلیل دیگری برای فساد این انتخاب آمده و در مقابل یکی از اعتراضات معترضین می‌گویند این مسئله راجع باسترداد اموال غلام موسی بوده و خودش را غافل میکند که آیا مسئله غلام موسی واسترداد اموال او در وسط جریان انتخابات برای چه بوده؟ و برای چه اموال او رفته؟ عجیتر از همه این است که در آخر راپورت می‌نویسند بعد از زیادی از طبقات اهالی اظهار رضایت کرده‌اند آیا يك قاضی میتواند بصرف اینکه جمعی اظهار رضایت کرده‌اند از يك امر قضائی قفلت کند؟ بنده عرض میکنم رضایت تمام دنیا شکایت يك نفر را کم نمیکند و دلیل باشد رفع نمیکند فرض کنیم که يك اشخاصی هم اظهار رضایت کرده باشند رضایت مستند قضاوت

نمی شود رضایت منشاء اثر نمیشود زیرا ممکن است دسته از انتخاب يك اشخاص را ضعیف باشند رضایت یکدسته حقوق اشخاص دیگر را ضایع نمیکند و بنده هم تصور نمیکنم در ضمن يك همچو مذاکرات و مباحثاتی که باید از روی اصول قانون باشد شعبه بتواند قناعت باین مسئله بکند که از طرف احزاب و که و که اظهار رضایت شده بیهوده باشد اگر بخواهم خیلی مفصل داخل استدلال راپورت شعبه بشوم و هر ماده را يك يك طرح بکنم و از آقای مخبر جواب بخواهم و بعد جواب بدهم جلسه های طولانی لازم خواهد داشت چون میدانم که آنقدرها توجه راپورت شعبه و مسائل راجعه بانتخابات نخواهد شد و طرفین تصمیم قطعی دارند باین جهت بیشتر از این در این موضوع گفتگو نمیکنم همینقدر خدمت آقایان عرض میکنم که واقعاً اگر یکساعتی رجوع بکنید راپورت شعبه و اسناد اعتراضات معترضین آنوقت محتاج يك کشمکش و بحث طولانی نخواهد شد پس از اظهارات خودم راجع بحریان انتخابات از آقایان اجازه میخواهم که قسری هم نسبت بصلاحت شخصی منتخب داخل مذاکره بشوم و برای مطالعه و حل این مسئله مهم لازم است بتاريخ ربيع الاول ۱۳۲۷ رجوع کنیم یعنی بتاريخ آن انتخابات اگر فراموش نکرده باشیم و اوضاع ما را بفراومشی باز نداشته باشد و احصاءات خودمان را کم نکرده باشیم و هر چه آنروز گفته ایم امروز تعقیب بکنیم آنوقت خود در نظر ما محکم می شود که آنروز يك کابینه وجود داشت که حقیقه و واقعاً آن کابینه از سه عضو مهم و سه عنصر فعال تشکیل شده بود اوضاع تاریخ دوره آن کابینه بقدری مهم و عظیم است که بقوه نطق نیاید و تصور میکنم از عهد هیچ ناطق بر نیاید لیکن چون آقایان همه آنچه من دیده ام دیده اند آنچه من میدانم میدانند لازم میدانم بگویم زحمت بدهم و بایک کلمات و الفاظی که احصاءات آقایان را تحریک بکند و اوضاع آنروز را بتواند مجسم نماید عرض کنم فقط بطور خیلی مختصر یادآوری میکنم این کابینه راهمه میدانستیم (حالا دیگر نمیدانم بدانیم یا نه) کابینه قدرت با کابینه دیکتاتوری و بالاخره کابینه قرارداد بود این کابینه بواسطه عملیات فوق العاده اش بطوری در تمام دنیا مشهور است که احتیاج ندارد بنده در روی ممبر نطق این کابینه را معرفی کنم همه میدانند که این کابینه عملیات خود را که منظور ملت بود بایک برجستگی و با يك شدت وحدتی انجام داد که در تاریخ مشروطیت ایران هیچ نظیر نداشت در زمان این کابینه هم میدانم که در اغلب جاها یعنی در هر جا که انتخاب مجلی نبود و با يك خصوصیتی در کار انتخاب نبود مبنی بر آزادی رای و آراء ملی نبود این کابینه آزادی منتخبین را سلب کرد اسناد و اوراق ایشان را همه آقایان دیده اند یا شنیده اند بنده برای حفظ مقام مجلس لازم میدانم عرض کنم در دوره آن کابینه انتخابات در ردیف یکی از امور

دولتی و مثل یکی از جریانهای اداری دولت جاری بوده در زمان این کابینه يك هیئت اعزامیه با يك خیالاتیکه من نمی دانم و البته شما میدانید در تحت ریاست آقای مشاور الممالک برای مدافعه حقوق ایران در انجمن صلح با اروپا اعزام شد دیدیم بعضی اینکه وارد اروپا شده و بانجام وظایف خود اقدام کرد فوراً ملعون و مردود کابینه شد یعنی معزول شد این قضیه را آقایان اگر فراموش کرده اند صفحات روزنامه ایران ثبت کرده ممکن است رجوع شود در نتیجه اینکار وقتی صورت گرفت که دنیا انتظار داشت دولت و ملت ایران بایک رشادت و شجاعت فوق العاده حقوق خود را حفظ کند و از تنگنای بدبختیهای گذشته خود را خلاص نماید قرارداد مشهور و فعلاً ایران و همه دنیا را مهتوت و عصبانی کرد حکومت وقت با امضای خود تصدیق کرد در زمانیکه راه سعادت بر تمام ملل ضعیفه باز است ایران باید از تمام خوشبختیها محروم باشد و این کابینه همه را از دست داد و همه را صرف کشمکشهای خصوصی خود کرد همه ملت میدانند در نتیجه این اقدام حکومت و توق الدوله که نتیجه و حاصل فکر سه نفر اعضاء آن کابینه بود (در حقیقت سایر اعضاء کابینه نه در خود کابینه و نه در خارج کابینه طرف اعتناء نبودند و فقط بوزارت دلخوش بودند) تمام ایرانیها با یکنوع عصبیتی که معمول آنها است بر ضد آن کابینه صدا بلند کردند حکومت وقت برای خاموش کردن صداهای ملی از هیچگونه عملیات فخر و جبر کوتاهی نکرد و چون جمعی از معارف این اقدامات را قبول نکردند حکومت وقت با ضربتهای شدید آنها و جباغت دیگران کارکنان را دستگیر و تبعید و نفی نمودند و آقای معتمد السلطنه وزیر خارجه کنونی که امروز همه آقایان میدانند محترم ترین اعضاء رتبه خودشان یعنی چشمان را در این راه گذاشتند تصور نفرمائید اگر بنده عرض کردم سه نفر از آن کابینه عضو فعال و عضو مایه بود و اند دفاع از سایرین کرده ام همه آقایان میدانند قطع و فصل و رفت آمد حکم و اضاء همه با این سه نفر بوده و البته سایرین هم نمیتوانند بگویند ما مسؤولیت نداریم برای اینکه عضو کابینه بودند و مسؤولیت را قبول کرده اند و یک نفر که مسؤولیت را قبول کرد نمیتواند بگوید بن من مربوط نیست و بگوید من مسؤول نیستم البته در مقابل قانون مسؤول است و محافظت قانون با اوست بهر حال حکومت قرار داد رسماً بنام مردم وعده داد که قرارداد عیلاً بموقع اجرا گذارد نخواهد شد ولی رسماً شروع با اجرای آن قرارداد نموده دیدیم رسماً مواد قرارداد اجرا میشود آقایان که بعضی از آنها هم عضو مجلس هستند راضی شدند باینکه حکومت اعضاء قرارداد را معوق بگذارد و تسویه هم نکند تا مجلس باز شود و تکلیف قرارداد معلوم شود حتی دولت طرف

مقابل هم با فشار های اروپا با مخالفت مطبوعات اروپا با هیجانهای مردم که برای دفاع بقا و استقلال ایران میشد مجبور شد که این رویه را قبول کند و اجرای مواد قرارداد را بگذارد تا موقعیکه مجلس باز شود معذالك حکومت زیر بار نرفت و شروع کرد با اجرای مواد قرارداد یکی بعد از دیگری این حکومت حکومتی بود که همه ماها میدانیم که اصلاً باراده دیگرا و با نسیب و وسائلی که دیگران اتخاذ کرده بودند مشغول کار شده بود و دیدیم که از هیچگونه اقدامات برضد قانون اساسی و بر ضد مشروطیت فروگذار نکرد همه میدانیم این حکومت از هیچگونه اقدامات بر ضد حکومت ملی مملکت ایران فرو گذار نکرد حتی برای پیشرفت مقاصد خود و انجام نقشه که برضد منافع ایران در نظر داشت از کشتن اشخاص هم بدون محاکمه کوتاهی نکرد اشخاصی را گرفتند کشتند بدارزدنه تبعید کردند نفی کردند و هیچ محکمه برای محاکمه آنها تشکیل نشد تمام مطبوعات در دوره آن کابینه بسته شد اگر آن روز آن کابینه مطبوعات را بپیل وارده خودش یکدفعه معذور نمیکرد اگر احزاب را یکمرتبه از میان بر نمیداشت امروز در موقع افتتاح مجلس شورای ملی برای تشریفات مجلس دفته چهار روزنامه بر خلاف آزادی بدون محاکمه بسته نمیشد نمیخواهم عرض که اگر يك روزنامه بر خلاف آزادی رفتار میکرد معترضان نشوند و بگذرانند هر چه بخواهند بکند ولی قانون اساسی آزادی مطبوعات را واجب نموده و از طرف دیگر قانونی برای معسود بودن مطبوعات قرار گذاشته البته هیچ حکومتی نباید باراده خودش در طرف چند دقیقه حکم بستن مطبوعات را اعضاء کاند اساس مشروطیت اساس حکومت ملی آزادی رای و آزادی مطبوعات است از دوره آن کابینه نه آزادی رای نه آزادی مطبوعات در این مملکت بوده و نه آزادی هیچگونه.

رئیس - آقا شما دارید از موضوع خارج میشوید.

طباطبائی - بنده خارج از موضوع نمیشوم بنده میخواهم ثابت کنم که آن کابیه برخلاف قانون اساسی و حکومت ملی رفتار کرده و حضرت والا هم برخلاف حکومت ملی رفتار کرده اند و با همان دلیل که سلطان معتمد خان در این مجلس رد میشود شاهزاده نصرت الدوله هم نمیتواند قبول شود.

رئیس - ولی جنابعالی حالا در این موضوع مذاکره نمیکند باز روزنامه ها دارید مذاکره میکنید

طباطبائی - بنده میخواستم اقدامات آن کابینه را عرض کنم و حق داشتم چهار کلمه هم از توقیف مطبوعات عرض کنم بهر حال حالا که آقای رئیس میل ندارند این صحبت را میکنم و میرویم سراغی دیگر این کابینه برخلاف اصل ۲۳ قانون اساسی بشرکتها امتیاز داد و باجاریش هم شروع کرد برخلاف اصل ۲۵ استقراض نمود برخلاف اصل ۲۷ قانون اساسی قوانین مشروطیت را نقض نموده برخلاف اصل ۹ متمم قانون اساسی مصونیت اخیر

را مختل کرد بر خلاف اصل ۱۰ اشخاص را بدون تصدیق دستگیر و حبس کرد برخلاف اصل ۱۳ امنیت را یعنی امنیت عموم ملت را از میان برد برخلاف اصل ۱۴ نفی و تبعید کرد بر خلاف اصل ۲۰ آزادی مطبوعات را سلب کرد برخلاف اصل ۲۱ اجتماعات را منع کرد برخلاف اصل ۲۳ در مغایرت تلگرافی دخالت کرد و تلگرافات را سانسور کرد و هر تلگرافی را میخواستند مغایره کنند تنقیش می کردند و هر کدام را که نمی خواستند مغایره کنند رد میکردند بالاخره در موقعیکه اعتبارنامه سلطان معتمد خان را که تصدیق او فقط موافقت با حکومت سیدضیاء یعنی يك حکومت غاصب يك حکومت مغفور بود مجلس نمیتوان قیام برضد حکومت ملی یعنی شرکت با کسیکه قیام برضد حکومت ملی کرده رد میکند و همانطور که در مجلس اظهار شد که حکومت ملی عبارت از کابینه سیه دار نبوده بنده هم تصدیق می کنم که حکومت ملی عبارت از اساس مشروطیت است یعنی قانون اساسی عرض میکنم آن کابینه مواد زیادی از قانون اساسی را نقض کرد بنا بر این شاهزاده نصرت الدوله که یکی از اعضاء آن کابینه و شریک و مسئول این اعمال بودند و برضد حکومت ملی قیام کرده اند علیهذا نمیتوانند وکیل شوند اعضاء قرار داد که همه چیز ما را بیاد میدهند و هنوز هم بعضی ترتیباتش باقی است برای اینکه معلوم شود ایشان حق دارند نمایندگی این ملت شوند بانه کافست آقایان خوب آن قرارداد را خوانده اند و همان هیجانها را که متوجه آن قرار داد شده است دیده اند و حتی يك اشخاصیکه علمداران هیجانها بودند در مجلس هستند بنده هیچ لازم نیست او را عرض کنم زیرا چیزی مخفی نیست بعلاوه شاهزاده در اروپا يك اصرار و اتمامی داشتند در اجرای آن قرارداد و قبل از اجراء نطقها اینکه شاهزاده در اروپا کرده اند و انگلیسائی که در مطبوعات کرده است همه یا عده از آقایان دیده و ملاحظه کرده اند در این موقع مطبوعات تمام دنیا بر علیه قرار داد حرف میزدند حتی يك قسمتی از مطبوعات دولت طرف اینقرار داد را تنقید میکردند معذالك وزیر امور خارجه تا آنجا اثبات و اصرار میکردند که اینقرار داد حیات بخشی است مؤسس حکومت سیاه و مسیب آن همان کابینه بوده همه قدر و منزلت او را میدانید چه بوده و چه مقامی داشت و چهطور زنده گانی میکرد او را داخل سیاست کرد آنکابینه او را داخل در حل و فصل امور دولتی کرد آن کابینه او را داخل حلقه دیپلماسی کرد و بفقار فرستاد پس از آن او توانست که این موفقیت را حاصل بکند و این صلوات را باین مملکت بزند پس میتوان گفت که تاسیس کابینه سیاه از نتایج سوء همان کابینه است بنده فقط وظیفه ام این بود که هر چه میدانم در مقابل افکار عمومی و در مقابل تاریخی که برای بعد می ماند

افکار و آراء خود را عرض میکنم حالا البته تمام آقایان و کسلا خدا شناس هستند و وجدان دارند اگر تمام عرایض من صحیح است توجه باو کنند و اگر صحیح ندانستند خودشان میدانند با مسئولیتی که پیش خدا دارند برای بنده تصویب این اعتبار نامه ورزش از نقطه نظر شخصی اهمیتی ندارد ولیکن برای قسمتهائیکه سابق خورده بودم و قسمتی که بعد باید بخورم مجبور بودم و چاره نداشتم و حتی برای حفظ مقام نزاکت و حفظ نظامات مجلس از چیزهائیکه باید گفت صرف نظر کردم.

نصرت الدوله - صرف نظر نکنید

طباطبائی - بنده اگر يك ملاحظاتی نبود همانطور که گفتند صرف نظر نمی کردم ولی آنرا میگذارم برای دفته دیگر تا ببینم در جواب این عرایض بنده چه گفته خواهد شد آنوقت بکلمه یوری تکلیف معلوم خواهد شد يك شرح دیگری هم اینجا یادداشت کرده بودم ولی چون میدانم بی فایده است و آقایان و کلا از طرفین يك تصمیمات قطعی دارند و شاید طول کلام موجب تضییع وقت مجلس شورای ملی است قسمت دیگر را می گذارم برای وقت دیگر

حاج شیخ اسدالله - بنده داخل در صلاحیت و سیاست نمیشوم ولی چون بدبختانه یا خوشبختانه مغیر شعبه هستم مجبورم نظریات شعبه را بعرض مجلس شورای ملی برسانم و دفاع از عقیده شعبه بکنم فعلاً در همین مرحله وارد میشوم و راجع بقریایشات اخیر آقای طباطبائی که شاید در موقع خود بنده هم يك عرایض بکنم خیلی ممنون میشدم آقای طباطبائی هرگاه داخل میشدند در تمام مواد راپورت و آنچه بنظر شان میرسید می فرمودند تا بنده نظریات شعبه را عرض میکردم و آنوقت شاید تصدیق میفرمودند که شعبه در کمال دقت و بیطرفی از روی صحت رسیدگی باین اعتبار نامه و دوسیه کرده و نظریاتش را بعرض مجلس رسانیده اگر مرجعه بفرمایند راپورتها بیکه در اینصورت از طرف تمام شهابت مجلس داده شد در این دوره و دوره های قبل میبینند يك راپورت باین جامعی که تمام مواد شکایات با تمام اسنادی که بشعبه داده اند متعرض شده باشد نیست چرا شعبه اینکار را کرد برای اینکه مجلس نمایندگان ملت مدلل دارد که نظریات شعبه کاملاً از روی صحت و دقت بوده این بود که آنروزه اعتراضیه را که یکی از آقایان کرمانشاه شعبه داد تمام موادش را خواندیم اسنادیکه در مقابل ارائه داده بود در تحت نظر آوردیم پس از آن مطابق آن نظریات راپورت به مجلس تقدیم کردم بعضی از قسمتهائیکه آقای طباطبائی فرمودند مستحسنات بود که آیا ممکن است بکنفر در يك موقعی کاندید شود و برادرش که حاکم بوده یا او مساعدت نماید و با او همراهی نکنند و و و این مطلب را شعبه نمیتواند بمجرد استعسان دلیل بطلان انتخابات قرار بدهد آیا به بینیم حکومت کرمانشاهان عملیاتی هم کرده است یا نکرده اگر عملیاتی کرده باید از کجا بفهمیم بنیر از آنکه متشکبان شکایت

میکند و اسناد بشعبه میدهند و از انجمن نظار در صورت جلسات نوشته بمجلس داده غیر از اینها ما میتوانیم علم غیبی تحصیل کنیم که از روی آن معلومات باطنی اظهار عقیده کنیم بهجوت همچو کار بران نمیتوانیم بکنیم شعبه باید مرجعه بدوسیه بکند شعبه باید مرجعه با اسناد بکند و به بیند اسنادی را که داده اند چه اسنادی است اسنادیکه داده اند ملاحظه بفرمایند یکی راجع بوضع انتخابات سنقر است که از روی تهدید بوده دلیل آنکه انتخابات آنجا از روی تهدید شده چه بوده صورت عرض عالی است که يك غلام موسی نامی داده است که مال مآدر سنقر یا در حوالی غارت کرده اند و صلحیه یا محکمه بدایت تعقیب کرده است ابداً نه گفتگوئی از سوء جریان انتخابات و تجاوزات مأمورین دولتی است و نه اسمی از انتخابات است مراجعه اگر بدوسیه بفرمائید تصدیق خواهد فرمود که شعبه نمیتواند همچو سندیرا که ارائه میدهد که شخصی نظم کرده است مال مرا برده اند دلیل بطلان انتخابات قرار دهند تمام راپورت را اگر بطور دقت ملاحظه فرمائید تصدیق می نمائید که شعبه هیچ چیز را از نظر دور نکرده مثلاً یکی از مطالبی که دلیل بر بطلان انتخابات قرار داده اند این است که رئیس انجمن کنگاور شیخ عبدالصمد نام که صورت مجلس انتخابات را نوشته و مفصل و مشروح تصدیق صحت انتخابات آنجا را کرده و انجمن مرکزی مطابق آن صورت مجلس که بهر و اعضاء تمام انجمن کنگاور است صحت انتخابات آنجا را تصدیق کرده اخیراً يك نوشته آورده بشعبه ارائه داده اند که این مال آقا شیخ عبدالصمد است آنجا شیخ عبدالصمد دوقفراً می نویسد یکی آنکه منتخبین را اهالی نمی شناسند و دیگر از سوء جریان انتخابات مکرر در موقع انتخابات شکایت و فریاد کرده ام کسی گوش بحرف من نداده و مهر این نوشته با مهر آنکه در صورت مجلس است متفاوت است می گویند این نوشته مال شیخ عبدالصمد است اگر این نوشته مال او باشد و صحیح باشد جناب آقا در موقع انتخابات که فرموده اند انتخابات غلط است پس چرا تصدیق کردی که انتخابات اینجا کاملاً مطابق قانون جریان یافته و انتخابات اینجا صحیح است شما می توانید يك همچو مهریکه منتصب باو است و ابداً شباهت با مهری کدر صورت مجلس است ندارد و با این اختلافی که نوشته دارد ترتیب اثری بدهید وظیفه شعبه این بود که رسیدگی خودش را بکند کرد و رای خود را داد يك قسمت فرمایشات آقا راجع بعشایر آنجا است مخصوصاً ایل جلیل سنجابی قانون انتخابات برای عشایر دو قسم انتخابات قرارداد شده بعضی ها را يك نماینده مستقل برای آنها قرارداد شده مثل ایل جلیل بغیاری و قشقایی بعضی از عشایر را جزء حوزه انتخابیه قرار داده ترتیب این انتخابات چه چیز است آیا مثل انتخابی است که وکیل و نماینده مخصوص دارد نه آن ایل باید آرایش با آراء شهر و انجمن های جزء ضمیمه شود تا يك نماینده معین کنند حالا می فرمائید انجمن معزوم حکمران است عشایر آنجا را از انتخابات از سرچشمه

بسیار معلوم میشود که هیچ همچو چیزی نیست زیرا که انجمنی قرار داده اند و در گردن عشاير بیکم کرشان کردند است از جمله کلهر و سنجابی و گوران اینها را مرکز انجمن جزمشان را در گردن قرار داده اند و اعلان انتخابات تمام آنها داده شده است مدت دادن تعرفه و اخذ آراء معین شده در آنجا فقط از طرف ایل سنجابی نوشته شده است که بواسطه اینکه ما فعلاً در گرمسیر هستیم نمی توانیم برای رأی دادن حاضر باشیم و قدر خودشان را خواسته اند و تقاضای تجدید مدت دادن تعرفه را نکرده اند مراجعه بفرمانید سایر عشاير اظهار رضایت کرده اند که انتخابات صحیح است شکایت هم نداریم ایل کلهر هم اظهار رضایت کرده اند این فراز آخر را که فرمودند چگونه شعبه اظهار رضایت را نوشته جهت این است که جمعی شکایت می کنند که انتخابات آنجا از روی تهدید بوده است شعبه مجبور است و فیکه این اعتراضات را نوشت به آن تلگرافات رضایت هم اشاره بکند که مطابق تلگرافات ایل کلهر میگوید انتخابات صحیح است و ما کمال رضایت را از انتخابات آنجا داریم پس سوء جریانی در انتخابات آنجا نشده اینکه بفرمائید بعضی انجمنهای جزء تشکیل نشده و شعبه آنرا محل توجه قرار نداده مراجعه بقانون انتخابات اینمطلب را جواب میدهم که قانون انتخابات حق بانجمن نظار داده که در نقاطیکه صلاح میداند انجمن نظارت جزء تشکیل بدهد با مراعات حوزه ها و تناسب جمعیتها که بتوانند برای دادن تعرفه حاضر شوند و سابقه اینمطلب هم در غالب دوسیه انتخابات در این دوره و دوره های پیش هست مخصوصاً در دوره سابق انتخابات کرمانشاهان نظرم هست که انجمن نظار مرکز زیاد از سه انجمن جزء تشکیل نداده و در این دوره انجمن مرکزی غیر از شهر چهار انجمن نظار جزء تشکیل داده و عملیات انجمنها را در اینخصوص مجلس تصویب کرده و رأی بنماید کمی منتخبین داده مقصود این است که انتخابات مطابق شرح دوسیه هیچ اشکالی ندارد و اینکه بفرمائید شعبه سمت قضاوت و حاکمیت دارد و خودش باستاند و ششجانب باید رسیدگی نموده و قضاوت بکند و اظهارات انجمن را کمالاً ترتیب اثر ندهد بلکه شعبه حاکمیت دارد باید شعبه قضاوت بکند آیا از روی چه قضاوت بکند غیر اسناد است غیر از روی مواد شکایات است بالاخره اگر بنا شود شعبه اظهارات انجمن را بکلی بی اثر بداند آنوقت شاید هیچ انتخاباتی را صحیح نداند پس انجمن نظار تا خیانتش معزز نشده رسمیت دارد و باید شعبه ترتیب اثر به اظهارات آن انجمن بدهد اگر شکایت بشود از انجمن نظارت آنوقت شعبه باید شکایاتیکه از انجمن نظارت رسیده ملاحظه کرده اگر معلوم شد که انجمن نظارت خلاف کرده آنوقت اثرات او را بکلی انودانسته و از عملیات انجمن قطع نظر نموده ترتیب اثر ندهد این فراز را که فرمودند در راپورت نوشته که شکایات محل توجه نشد خیلی بی مرحمتی فرمودند

آقای طباطبائی اگر ملاحظه برابورت بکنند نوشته شده است که شکایات و اسناد محل توجه نشد بلکه تمام جزئیات را شعبه محل توجه و مطلع نظر قرار داده تمام نکات را متعرض شده برای خاطر اینکه مخبر شعبه پیش بینی میکرد که شاید در مجلس شورای ملی يك همچو اعتراضی بشود آنوقت این راپورت را مخبر شعبه در دست بگیرد و بگوید این راپورت شعبه است بپیشینه تمام اسناد دولتی را که بشعبه داده اند ما محل توجه قرار دادیم و از روی دلیل رد کردیم زیاده از این داخل در مذاکره نمیشوم و زیاده بر این عرض نمیکنم آقایان مراجعه برابورت شعبه کمالاً بفرمائید و اگر هر آینه خود را محتاج مراجعه اسناد دانسته بفرمائید بنده اسنادی را که در شعبه هست میآورم و ارائه میدهم مثلاً یکی از فستهای که در دوسیه هست و از دلائلی که معترضین از برای بطلان انتخابات اظهار میکنند این است دو ورقه کاغذ بدون امضاء و بدون مهر که میگویند شب نامه است بدیوار چسبانیده اند و یکی را هم برای حاج آخوند نامی از علمای کرمانشاه فرستاده و باو نوشته اند و در آنجا باقا زاده ایشان بعضی نسبتهای اخلاقی داده اند که آقا زاده شما فلان است خوب است صحبتش کنید و و و معلوم نیست آنها در چه تاریخی نوشته شده و کی نوشته برای چه نوشته آرا جزء دوسیه و جزء شکایت خود قرار داده اند که این نوشته دلیل بر تهدید است پس انتخابات کرمانشاه باطل است چرا؟ برای اینکه يك چنین کاغذ را نوشته اند چرا؟ برای اینکه يك چنین شب نامه بدیوار چسبانیده اند آیا اینها را شعبه میتواند دلیل بر عدم صحت انتخابات قرار بدهد؟ بنده زیاده بر این عرض نمیکنم و بنظریات آقایان واگذار میکنم و همینقدر از شعبه دفاع میکنم که شعبه خیلی دقت کرده و رسیدگی نموده و آن اسناد را هم که در شعبه دیده شده نتوانست ترتیب اثر بدهد و دلیل بر بطلان انتخابات قرار بدهد مطالب دیگر هم که فرمودید از نقطه نظر صلاحیت و سیاست بنده فعلاً داخل در آن نظریات نمیشوم اگر آقایان داخل این مذاکره شدند بنده هم عراض و نظریات خود را بعرض مجلس شورای ملی میرسانم.

رئیس - آقایان مدرس و ملک الشعراء و سهام السلطان موافق هستند اینطور نیست؟

مدرس - برابورت بلی.

رئیس - آقای سردار معظم شما مخالفید؟

سردار معظم - بنده راجع شعبه بعضی اظهارات داشتم.

رئیس - مخالفی نسبت برابورت نیست؟

مدرس - نسبت بصلاحت بنده مخالفم.

رئیس - يك مخالف حرف بزند آنوقت جناب عالی بفرمائید پس مسئله را تفکیک میکنم يك قسمت راجع بجرایان انتخابات است و قسمت دیگر راجع بصلاحت راجع بانقلابات و جریان آن مخالفی هست؟ (اظهاری نشد) اگر مخالفی نیست مذاکرات ختم خواهد شد (باز مخالفی نبود) معلوم میشود مخالفی نیست راجع بصلاحت آقایان مدرس و ملک الشعراء

و سهام السلطان و سلیمان میرزا و سردار معظم اجازه خواسته اند حالا يك موافق باید اظهار عقیده کند.

مدرس - اولاً تشکر میکنم از آقای طباطبائی که در وقت مخالفت با قرارداد اگر چه بعضی کمکهای خودمانی فرمودند ولیکن کمکهای علنی را امروز فرمودند ۱۳ ذیقعد ۱۳۳۷ يك روز نجسی از برای ایران بود و يك قرارداد منحوسی بدون اطلاع اجدی منتشر شد کابینه آقای وثوق الدوله هم منظور که آقای طباطبائی فرمودند که جزء اعظمش سه نفر بودند آقای وثوق الدوله • صارم الدوله • نصرت الدوله مردم کمال غفلت را داشتند که این قرارداد منحوس چیست الا نادری و قلیلی که از جمله (خود حضرات آقایان میدانند) بنده بودم که در همان ساعت که قرارداد منتشر شد باو مخالف شدم تا امروز بالاخره خدا توفیق بملت ایران داد باستانش ۶۸۴ نفر که اصولاً و فروعاً عملاً قاصراً و مقصراً یا سیاستاً یا کسباً در تمام مملکت ایران باقالات و یا حالا مخالف با قرارداد بودند ۶۸۴ نفر بودند در تمام ایران که در کتابچه بنده اسامی و عملیاتشان ثبت است که انشاء الله اگر مجلس يك شبانی پیدا کند و بايك دولت وطن خواهی پیدا شود آن موافقین قرارداد اصولاً سیاستاً و کسباً بانواع و اقسام آنها رسیدگی کند و تحقیق کند هر کدام مقصود مجازات کند و خیلی متاسفم که آنروز هر چه داد زدم کسی بداد من نرسید موافقت نکرد. لکن الحمد الله امروز همان اشخاص موافقت میکنند باز هم خوب است هر چه عرض کردم آشکارا در مقابل بول بول میخوانند آقای طباطبائی چیزی فرمودند تراکت فرمودند چه تهدیدها در این کار شد چه مردنها شد چون امیدوارم که آنچه عقیده دارم ذره مخفی ندارم عرض میکنم که ۱۸ نفر از موافقین قرارداد در این مجلس اصولاً تقلیداً قصوراً و امروز اگر در ایران محکمه عالی باشد اینجا است ایران اگر مردم صحیحی دارد يك قسمت آنها اینجا است اگر مردمانی دارد که چیز میفهمند و وطن خواهند کرد خواهند يك قسمتش اینجا است نباید اقماض کرد البته مجلس شورای ملی نوعاً مشتمل بر همه قسم اشخاص بوده و هست قرار داد منحوس يك سیاست مضر بدیانت اسلام بضرر سیاست بیطرفی ما بوده (جمعی تصدیق کردند) ما بیطرفیم نباید تمایلی نسبت بصیاست باشد بشود ما بیطرفیم (جمعی گفتند صحیح است) الان هم همان قسم است که عرض میکنم ما بیطرفیم از موقع جلوس اعلیحضرت همايونی و جنگ عمومی که اعلیحضرت نطقی فرمودند و بیطرفی را اظهار فرمودند مجلس شورای ملی تصدیق کرد کابینه وثوق الدوله خواست ایران را در انک بدهد اظهار تمایل بدولت انگلیس کرد برضد او ملت ایران قیام نموده حال هر کس تمایل بصیاستی بنماید ما یعنی ملت ایران باو موافقت نخواهیم نمود چه رنك شمال چه رنك جنوب چه رنك آخردنیامایك ملتی هستیم فقیر ضعیف و باید بیطرف باشیم و هیچ رنگی نداشته باشیم صریحاً عرض میکنم بنده که مخالف با آن کابینه بودم برای این بود که قرارداد را

مضر می دانستم تمایل از برای ما مضر است بنده بر ضد او هستم در این عرض نه اختصاص با آقایان و کلا دارد بلکه عرض من متوجه بشرق و غرب و شمال و جنوب ایران است (گفتند صحیح است) آقایانیکه اینجا هستند ملت هستند بعضی انتخابات بد است ملت هستند بعضی اشخاص بد میباشند ولیکن باید حکومت بحق کرد نصرت الدوله پسر فرمانفرما مطرح مذاکره است نه مسئله انتخابات والا انتخابات پنجساله با سیاست های مختلفه و دولتهای مختلفه بسات من می بینم و حس میکنم که آقای نصرت الدوله را بعضی قابل مجلس شورای ملی نمیدانند خیلی تقدیس میکنم برای اینکه آقایان بعد از دو سال حالا رفیق بنده شده اند چون صدماتی کشیدم تعرض شخصی بخارجی کرده ام يك كك لا یحیه با من نکرده اند و امروز آمده اند رفیق من شده اند خدا توفیق بایشان بدهد و احساسات را در ملت ایران زیاد کند که امثال آقای وثوق الدوله و نصرت الدوله را ملت ایران بد بداند ولیکن بکسسه می خواهم در این مجلس عرض کنم و بانصاف و عدل و دیانت آقایان محول میکنم يك اشخاصی رنك پیدا کردند آمدند و گفتند عقیده ما تمایل بصیاست انگلیس است شاید یکی پیدا شود و بگوید عقیده سیاسی من روس است ما بر ضد همه هستیم ایرانی مسلمان باید مسلمان و ایرانی باشد (گفتند صحیح است) هر رنگی غیر از این داشته باشد دشمن دیانت ما دشمن استقلال ما است ولیکن نصرت الدوله آنروزی قابل مجلس نبود؟ یا نصرت الدوله آنروزی؟ که فرضاً دروغی میگوید من تمایل بانگلیس را رها کردم من ایرانم امروز محکمه عدل ایران این محکمه است اغلب شما ها می دانید که من بعمد الله تعالی با احدی غرض ندارم و با احدی از افراد ناس محتاج نیستم حتی در رأی دادن بو کالتم و من از آقای رئیس تقاضا می کنم رأی مرا بپندارند بعد از رأی دادن تمام و کلا که آقایان از هر جهت آزاد باشند من زیاد تر از شما این عقیده را دارم که نصرت الدوله سابق رنك دارد است نه نصرت الدوله آنروزی دیانت و مملکت خواهی من حکم میکنم که ولو این اظهار غیر واقع باشد من او را قبول کنم حالا که این حرف را میزنم بگوئیم ما تو را قبول نمیکنیم ملت تو را قبول نخواهد نمود اگر مملکت خواهی شما اقتضا دارد که کسیکه رنگش را رها کرد بعد برود رنك پیدا کند حرفی نیست اگر این برای مملکت صلاح است بگوئید احسن اگر محکمه عدالتی در ایران ممکن است تشکیل بشود بار امان است بنده عرض میکنم موافقین قرارداد که هیچده نفر از آنها اعضاء این مجلس هستند این محکمه باید رسیدگی کند هر کدام تقصیر کرده اند مجازات کند و اگر قبول گرفته اند از ایشان استرداد بخودش تا عبرت دیگران شود تا کسی دیگر رنك بخودش نگیرد اما امروز منسوب با وطن خواهی ما اجازه میدهم که کسیکه میگوید من خطا کرده ام او را بدون جهت و قانونی از مجلس رد نمائیم اگر

نصرت الدوله و امثالش عود کردند و رنك بخود دادند ما هم که يك ملت ضعیفیم عود میکنیم بنده تقدیس میکنم آنها را که نظرشان بر این است که نصرت الدوله صالح برای این مجلس نیست اما باید نصرت الدوله موافق قرارداد را با نصرت الدوله امروزه فرق گذارد من عقیده خودم را اظهار میکنم این مجلس هم مجلس عدل است این اشخاص که در آن سیاست شراکت کردند و حالا اعتراف بخیط خود کرده میگویند ما خطا کرده ایم و این رنك سیاست را رها کرده قبل را رها کرده و غتراهم رها کردیم ایرانی هستیم و تابع سیاست بیطرفی ایران هستیم من که یک نفرم صدای خودم بشرق و غرب ایران و جنوب و شمال ایران و بخارجی های همسایه و غیر همسایه میرسانم و میگویم مدتها نصرت الدوله تمایل اختیار کرد حالیه که بیطرفی اختیار نمود من او را قبول میکنم و یقین دارم ملت ایران با من هم عقیده خواهند بود میگویم نصرت الدوله سالها قبل بخودش چسبانید الان میگوید من خطا کرده ام یا راست میگوید یا دروغ من میباید بگویم تورا است میگوئی و تو که الآن تمایل کردی و خودت را می - خواهی ایرانی و ایران خواه معرفی کنی ما قبول می کنیم اگر خدای نخواسته باز رنك پیدا کرده ما همانیم که بودیم مخالفت با کابینه وثوق الدوله کردیم ملت فقیر بیچاره هم با کمال ضعف و قوی و بی چیزی و نفاقت بالاخره او را در بدر کرد می خواهم با آقای طباطبائی يك عرضی بکنم و تصدیق کنم فرمایشاتشان را که گفتند اساسی قرار داد بوده سید ضیاء را آورد چنانچه از اول تاحال عرض می کنم باید مخالفت را درود انداخت و متفقاً کار کرد برداشت مجلس ما اتفاق بوده گفته شد (صحیح است) همان قرار داد و سیاست است که مجلس را منتهی می کند بدو دسته شاید يك دسته مستشار و پلیس جنوب شوند و یکدسته مخالف باید همچنین که این چند روزه بواقفت مشی نردیم امیدوارم که در این ناملازمات باز هم موافقت رفتار کنیم در حوادثی که اطراف مملکت را فرا گرفته بلا استثناء آتش است یکی را نمی گویم آتش و یکی را بخ همه آتش است ایرانی باید خودش ایرانی باشد سیاستش هم ایرانی باشد بدی شخص نصرت الدوله بر احدی حتی بر خودش هم مخفی نیست لیکن نصرت الدوله امروزه را با نصرت الدوله مرافق قرارداد باید در نظر گرفت شما که حکومت می کنید آیا باید نصرت الدوله را رد کرد یا قبول؟ بنده عرض می کنم امروز باید او را قبول کرد اگر باز بخود رنك گرفت ملت همان ملت است معلوم است کسی که سالها علف تلخی خورده باید سالها علف شیرین بخورد که گوشت و پوست و استخوانش فایده داشته باشد این عقیده سیاسی من است اگر باز آقایان فرمایشی دارند بفرمائید شاید باز توضیحاتی عرض کنم

شاهزاده سلیمان میرزا البته آقایان اجازه میدهند که بنده دو سطر قبلاً اظهار تشکر و خوشوقتی بکنم از اینکه سعادت منی که تصور نمی کردم مجدداً با آن موافق شوم یعنی باز در مجلس شورای ملی در خدمت عموم دوستان و رفقا و نمایندگان ملت حضور داشته باشیم و یا اینکه قدم بخاک وطن عزیز بگذارم زیرا همیشه از جمله چیز هایی که مکرر بفرموده میشد این بود که شما ابتدا مرخص نخواهید شد بنا بر این واجب است که امروزه همیشه متشکر باشم از اینکه مجدداً در روی خاک وطن عزیز خود قدم گذارده ام و حق آنرا پیدا کردم که در مصالح این مملکت بقدر فکر خودم صحبت بکنم بعد از تشکرات خودم که خیلی مختصر است عرض می کنم که اینجا مطلبی که مذاکره شد یکی راجع بجرایان انتخابات است که بنده در آن موضوع عرضی ندارم چون مسئله انتخابات معلوم است در اغلب جاها چه شکل جریان داشته اما راجع بعدم صلاحیت منتخب برای اثبات این مسئله کاغذهائی داشتم و البته آقایان مسبقاً هستند که در عرض این سه سال در یکجائی بودم که هیچ کاغذ و روزنامه نمیدیدم الا بدست ولی اخیراً از مندرجات مطبوعات بعضی خبر ها یادداشت کرده ام از حکومت کابینه وثوق الدوله که افضل التفضیل کابینه سیاه بوده و همین طور که آقای طباطبائی اظهار فرمودند تمام مخالف مواد قانون اساسی و حقوق ملی بود کمان نمیکند در مجلس یاد تمام مملکت ایران یک نفر کسی که ایران دوست باشد عقیده اش قیر از این باشد ولی فقط آقای مدرس يك عددی را که بنده درست حفظ نکردم فرمودند در سکتا بچه زردشان ثبت است و فرمودند ششصد و کثری در این مملکت موافق قرار داد بودند که آنقدر را ضبط نکردم و اشخاص را هم نمی شناسم بلی در صورتی که این مسئله محقق باشد دیگر گمان نمیکند لازم بعنوانند اوراق بنده باشد بنده در این اوراق چیزهایی که می خواستم بعرض آقایان برسانم برای این بود که ثابت بکنم این مسئله قرار داد در روزنامه جات در زمان این کابینه منحوس طبع شده و سه نفر که شخص سید ضیاء الدین عضو چهارم آن محل و مرکز فساد بوده و آن ۳ نفر در کابینه عضویت داشته و آن یک نفر عامل افکار آنها در خارج بوده و در جمعیت دست آنها بوده و خیالات آنها را منتشر می کرد و با عقیده آنها موافقت میکرد و عقاید آنها را تقویت می نمود و اگر در کابینه خودش هم اقدام کرد شعبه ایست از آن سرچشمه و فرعی است از آن اصل و آن اقدامات را در آن مکتب آموخته بنا بر این اسم این فرع را این مجلس استعفاً کابینه سیاه گذاشته آن اصل معلوم است هر چه افضل التفضیل برای او قرار دهند هست مرکز تمام سیاه این قرارداد را (ارد کرزن) در نطق خودش در سر میز ضیافت خودش با شاهزاده نصرت الدوله یا با اصطلاح روزنامه های خارجه برین فیروز یگانه وزیر خارجه وطن خواه و نماینده مستحق ایران که با افتخار ایشان این ضیافت

داده شده بود و همه آقایان در روزنامه رده خوانده اند که لرد کرزن میگوید (من با حضرت والا در این مسئله موافقت دارم و آن مطلب با عقاید و نظریه ملت ایران...) طوری مطلب را می پروراند (شاید بنده قوه تفرس خبلی کم شده باشد) ولی اگر هر آینه دست ما به دوسه های خصوصی وزارت خارجه میرسد و اگر (یعنی اگر مثل خبلی چیزهای دیگر) اورا نشان از میان نرفته باشد و اگر همانطور که آقای مدرس فرمودند بخواهیم ملتی باشیم که قضاوت ما بین خدمت و خلاف را همیشه در نظر داشته باشیم و معاکمه کنیم و بدون ملاحظه آن اسناد را در مقابل خود بگذاریم از هر کس هر چه صادر شده بدون استثناء در یک محکمه بیطرفی خوانده و معاکمه کنیم (اگر چه خیانت و خدمت در مملکت زود یا دیر که نه نیست) و بالاخره اگر ما ها که معاصرین خدمات یا خیانات هستیم اورا معاکمه نکنیم آئینده های ما اشخاصی که امروز در روی این زمین نیستند و بعد متولد میشوند معاکمه خواهند کرد بهرحال اگر آن دوسه های وزارت خارجه در دست بود بطور حتم مدلل میداشتند که این مطلب از طرف کابینه و هیئت دولت انگلستان پیشنهاد نشده و یک پیشنهادی از دولت منحوس سیاه خائن آن زمان شده که آنها بعد از اصلاحات پیشنهاد کرده و اجازه داده اند در روی آن زمینه آن کابینه این خدمت بزرگ تاریخی را انجام دهد نمیدانم باید گفت خدمت یا فروختن این مملکت بدو راهم بخش بالاخره از آنرا این کابینه و از وجود آقایان چهار نفر مؤسس واقعی اینکار که مسئول ظاهرش شاهزاده نصرت الدوله که وزیر خارجه و همیشه از همه بیشتر بود صورت گرفت چون باید انصاف داد عرض میکنم که بالاخره تصور کنیم در آن دوره مملکت در یک مضیقه و فشار هائی بود که مقتضیات آنوقت بهر کس که زمامدار امر بود اجازه میداد برای حفظ سیاست آنروز اینکار را بکند ولی بنده خدمتشان متذکر میشوم ایشان وقتی دیدند امر اینطور شده کنار جوی میگردند مثل اینکه با سارین هم تکلیف کرده بودند مثلا امروز یک کسی بنده بگوید که برادر و پدرت را بکش تا وزیر خارجه بشوی باید بگویم چشم برای اینکه وزیر امور خارجه بشوم و بعد که از من بپرسند چرا کشتی بگویم همه را کشتیم که وزیر بشوم این حرف گمان میکنم مطابق هیچ منطقی نباشد و در هیچ محکمه تصدیق نکند که یک شخص میخواهد با حضرت اشرف بگویند و وزیر بشود و صاحب اختیار باشد آنقدر خلاف کاریها که در این کابینه شد مجری بشود و مجبور شود که یک قرار داد بشویم به بنده که بجمعه امروزی در یک توده خاکستر افتاده و رسماً لغو شده است اعلیحضرت محبوب ما در موقع نطق افتتاحیه خودشان در این مجلس آنرا ملغی فرموده اند و امروز مجری نیست و اگر بعضی مواد آن مثل مستشار ها و غیره نزدیک بود بموقع اجرا گذاشته شود آنها هم بملطف و مرحمت خداوندی و کمک تمام و کلاه که بنده یقین دارم یک مخالف پیدا نمیشود

همینکه و کلاه اعتبارنامه هاشان تصویب شد و داخل در مطالب اساسی بشوند اولین اقدام اساسی تمام رفقای بنده و تمام آقایان و کلاه راجع بهمین مسئله خواهد بود اگر چه بنده مدتی است از خدمت آقایان دورم یک مدتی بواسطه کسالت و یک مدتی بواسطه مسافرت و یک علت هم این بود که نمیتوانستم داخل در جریان انتخابات اشخاصی بشوم و امروز چون صحبت بیک صحبت اساسی راجع بود حاضر شدم این راهم عرض کنم یک روز شخصی از قول قونسول فرانسه در بمبئی بامن از قرار داد صحبت می کرد باو گفتم باوجود اینکه در حبس هستم تا آخرین ساعت بقدری که میتوانم برخلاف این قرار داد حرف خواهم زد و اقدام خواهم کرد شما تصور نکنید که در تحت فشار ظالمانه یک هیئت منحوسه سه چهار نفری که ایران را خراب کرده اند مردم ساکت باشند و آنها بپسوانند جلوگیری از احساسات مردم بکنند و ایرانها حاضر هستند این قرارداد را با خون خودشان محو کنند ایشان بمن فرمودند که در زوایای طهران ... چون آنوقت در روزنامه های اروپا اینطور انتشار پیدا کرده بود که ملت ایران چراغان م کرده اند و یکی از روزنامه های ایران هم تیریکاتی نوشته بود که درج کرده بودند و می گفتند ملت ایران مخالف نیست جز چند نفر معدودی که در زوایای طهران هستند که هیچوقت امنیت و آسایش را نمی خواهند اشخاصی که میباشند همیشه بر علیه حکومت های حاضر هستند آن چند نفر معدودیکه عادت باین قبیل چیزها کرده اند برخلاف قرارداد حرفهائی زده اند آنها را بجمعه حکومت و طغخواه و قوی قادر آنروز گرفت و تبید کرد !! (بسیار خوب) بنده باوجود این گفتم خیر این چند نفر نیستند خواهید دید که زیاد خواهد شد بجمعه رسیدم با آنروز که می بینم شاید یک نفر در این ساعتیکه صحبت میکنم نیست که بگوید یاد قلبش خیال کند که موافق است. اهالی این مملکت هنوز ایرانیت خود را نمانده اند ایرانها هنوز زنده اند برانها حقوق ملی خودشان را تلفت میشوند و لودر تحت فشار قاهرانه و ظالمانه داخلی و خارجی باری بعد از این مطلب مطابق آنچه که در روزنامه های رعد درج شده مثل این است که آن پیشنهاد از طرف دولت شده و از آن گذشته تلگراف از طرف وزیر خارجه آمریکا بسفارت ایران مغایره شده که در همان روزنامه یومیه رعد باز طبع کرده اند و آن تلگراف را شاید تمام آقایان خوانده اند اگر لازم شود بنده هم مختصراً آن تلگراف را بر عرض آقایان میرسانم که ملاحظه بفرمایند که جدیت و فعالیت شخصی بزرگوار و وزیر خارجه تاجقدر بوده و ایشان نسبت بنطق (لرد کرزن) در اروپا چه تلفهائی آتشین داده اند که ملت ایران طرفدار قرارداد است. اگر نصرت الدوله خودش را جزء افراد این مملکت می دانست باونوق الدوله که خودش را یکفرد ایرانی می دانست یاسید ضیاء و غیره و غیره بایستی مثل یک نفر

ایرانی شب و روز زندگانی را بر خودش حرام میکرد و یک چنین قراردادی را در تمام مقامات رسمی اروپا و در تمام نقاط تکذیب میکرد برعکس هر صدائی که از اروپا و امریکا بر علیه این قرارداد اظهار میشد که این قرارداد شما برخلاف ماده ۱۱ قرار داد مجمع بین الملل است و هیچ دولتی نباید دستخوش مرام و نفوذ دولت دیگر بشود آنوقت ایشان جدی کنند که آنها را قانع کنند که خیر ابدأ قرارداد مزاحم دولت و ملت ایران نیست و ملت ایران حاضر است آقای لرد کرزن میگوید که باشاهزاده در موضوع قرارداد موافقت حاصل نمودم که مبنی بر مصالح ایران است ..

نصرت الدوله - دروغ است

سلیمان میرزا - آقای سید ضیاء رفیق خودتان نوشته است من که در اینست اینجا نبودم (در این موقع بعضی از تماشاچیها شروع بکفزدن نمودند)

نصرت الدوله - رفیق شما بود

رئیس - تماشاچیها باید خارج شوند (بیش خدمت باشی بر حسب امر رئیس بقسمتی از تماشاچیها که مرتکب دست زدن شده بودند تکلیف خروج نموده و آنها خارج شدند)

سلیمان میرزا - بنده همانطور که عرض کردم در موقع قرار داد در این مملکت نبودم و رفیق هم نداشت زیرا اگر در مملکت بودم باز مثل دیگران یک حرف میزدیم کابینه قوی و فعال و قادر قدرت خودش را نشان میداد و بنده را بکاشان یا سوراخ دیگری می فرستاد و او اینکه اینجا هم که نبودم همان سهم و طالع را داشتم منتهی در سوراخ دیگری هیچ اهمیتی ندارد نمی خواهم متصل تکرار کنم که در حبس بودم زحمت کشیده و صعوبات دیده ام بلکه مکرر گفتم آن زمان راحت تر بوده ام گوشم چیزی نمی شنید و یادریبای کمتر میشنید بلکه سائر رفقای من و سایر آقایان نمایندگان خیلی بیشتر از بنده در زحمت و فشار بوده اند زیرا که فشارهایی که خانمان بر انداز است بسیار سخت تر و هولناک تر از آنست که یک شخص بگوید در یک اطاق باش و بیرون میا انصاف می دهم نمی خواهم یک اهمیتی بدهم که حبس شده ام خیر آقایان که آزاد بوده اند بیشتر از من در زحمت بوده اند آقای نصرت الدوله فرمودند بنده دروغ می گویم از برای اینکه عرض کنم بنده دروغگو نیستم محتاج بتذکارم زیرا که سابقه را زندگانی بنده از اول مشروطیت دوره با حضرت والا اینکه اینجا نشسته اند معلوم است من والی کرمان بوده ام که آدم بکشم من در زمان محمدرشاه اقدامات نکردم من همیشه طرفدار مظلوم بودم و همیشه از ظالمان که حضرت والا یکی از آنها بوده اند تو سری خوردم اما بر این بنده دروغگو نیستم زیرا که همیشه فریاد میزد و میزنم ایران را ایرانی باید همیشه در فکر ترقی خودش باشد اگر چه نباید خارج از موضوع شوم ولی مختصری عرض می کنم مملکتی که معارف نداشته باشد انتخاباتی درست نمیشود اشخاص دروغگو بار می آورد ولی بنده دروغگو نیستم عملیات بنده سابقه زندگانی بنده

همه معلوم است البته پسر عموی محترم (بقول ابوی بزرگوارشان) وقتی خودشان نظر بفرمایند خوب میدانند ایشان قرار داد بسته اند بنده برای پاره کردن قرارداد ملعون فریاد میزنم ایشان سابقه ها داشتند که آقای مدرس میفرمایند مسلمان شده اند توبه کرده اند ایمان آورده اند و بنده بجمعه الله محتاج توبه نبوده و نیستم اگر اوراق تاریخی زندگانی هر دو مان را در یک ورقه بگذارند حق از باطل شناخته شود بجمعه الله شناخته شد و تمیز هم داده شده محتاج به تذکار نیست با یک فرمایش ایشان که بنده دروغگو نیستم و بعلاوه آنچه را هم که بنده عرض کردم از قول خودم عرض نکردم عرض کردم کابینه و نوق الدوله ۳ نفر عضو آمر و رسمی داشت که وزیر بودند یکی خود و نوق - الدوله بوده یکی شاهزاده صارم الدوله یکی شاهزاده نصرت الدوله که این دو نفر از شاهزادگان این مملکت و از خانواده این بنده بودند که باید بیشتر باز همه لا اقل برای اینکه تاج و تخت در خانواده آنها است برای استقلال این مملکت کوشش کنند و متأسفانه از همه کس بیشتر طرفدار این قرارداد میشوند ملعون بودند و این قرار داد خانمان بر انداز ایران خراب کن را تصدیق کردند و ناشر افکار ایشان بگانه حامی ایشان قلم مدافع ایشان قلم آقای سید ضیاء الدین بوده حالا آقای سید ضیاء الدین رفیق ایشان بوده یا رفیق بنده ؟ این رفیق عزیز و آن بار گرامی در موقع قدرت و اقتدار ایشان یعنی در هر قلمی که هنوز در سر راست و وزرائی نزاعشان نشده بود که حبسشان کنند بالاخره در موقعیکه برانها نشان چیز بنوشت در روزنامه آن مطالب را راجع بنطق لرد کرزن نوشته اگر راست نوشته او نوشته و اگر دروغ نوشته او نوشته بنده چه مربوط است بنده نقل قول میکنم باید از این مسئله بگذریم مسئله این است بعد از آنکه باتفاق بدون هیچ تردیدی همه تصدیق می کنیم که این قرارداد برخلاف مصالح دین و بزرگترین ضررات گذشته و مهلکی است که بر پیکر مملکت و وطن هرگز وارد آمده است آنوقت تازه در مقابل این بعضی حرفها می شنوم که تا امروز نشنیده ام و آن این است باوجودیکه این مسئله را اقرار داریم که برخلاف قوانین مملکت ما بوده است و ضربه بر اساس حکومت ملی زده است و یکی از آن دستهای قوی که بر پیکر وطن شمشیر کشیده شاهزاده نصرت الدوله بوده است تازه امروز آقای مدرس بطور تردیدی گویند ما انکار نداریم ولی شاهزاده نصرت الدوله میگوید من از خطا های گذشته ام صرف نظر کرده ام امروز برخلاف گذشته اقدامات خواهم کرد در صورتی که این فلسفه را یک اصول منطقی نمی شود فرض کرد که آقای مدرس میفرمایند شاهزاده نصرت الدوله توبه کرده اند پس در دنیا هیچ مجازاتی لازم نیست آن وقت هر جانی و هر مقصری بیای معاکمه رسید و را اظهار می کند استغفرالله ربی و اتوب الیه پس قانون مجازات برای چیست؟ من بگویم که کشتن محققانهم یکی را کشتن (در صورتیکه مملکت کشتن محققانهم

تر از شخص کشتن است) من اگر یکی را کشتن خدای نکرده در وقتیکه مرا بیاورند بمعکمه عدلیه و آقای مدرس هم حاکم قضیه باشند و بگویم آقایان تقصیر کرده ام قول میدهم که من بعد آدم نکشتم آیا هیچ محکمه عدلیه هیچ قاضی عدالتی می تواند ب مردم و ورثه مقتول بگوید که شما از آن صرف نظر کنید این شخص گفته است که دیگر از اینکار ها نمی کنم . راست یا دروغ توبه می کنم این فلسفه غریبی است و بعلاوه در قانون انتخابات ذکر شده (اشخاصیکه بر خلاف حکمت ملی قیام و اقدام نموده اند) و خود آقای مدرس هم این مسئله را تصدیق میکنند آما و صدقنا که آقای مدرس در مسائل ملی همیشه زحمت کشیده اند و صدقات ایشان معق است و هیچ جای شبهه و تردید نیست اما این فلسفه را بنده نمی توانم بفهمم که بچه ترتیب یک کسیکه یک تقصیر قطعی و حتی را مرتکب شد در موقع مجازات همین قدر که اظهار کرد نادم هستم مجازات از او سلب خواهد شد این را بنده نمی دانم شاید یک ترتیب شرعی برایش باشد اگر این مسئله مدرکیت دارد آیا بر تمام اشخاصی که بر خلاف حکومت ملی قیام و اقدام کرده شامل است یا تنها بشخص نصرت الدوله مربوط است؟ این شخص و هشتاد کسری که فرمودند موافق قرارداد بوده اند بنده هم می گویم و آرزو میکنم و میکنم که یک روزی برسد که وطن عزیز ما انشاء الله مقتدر شود که این اشخاص را یکی یکی بیاورد پای معاکمه و معاکمه نموده و مجازات بدهد . اگر باینکه بگویند خلاف کرده ایم و خیانت کرده ایم و توبه کردیم معاف می شوند از حالا همه میگویند ما پشیمان شده ایم دیگر البته معاکمه نخواهند داشت و آن اشخاص از امروز خردشان را راحت می کنند که زحمت آنروز را نداشته باشند ولی بعقیده بنده این حرف جبران خلاف اولیه را نمی کند باز هم یادآوری میکنم هر چند در مجلس نبودم ولی از برای من راپورت ها را فرستاده اند در راپورتهای بعضی شبهه ها نسبت ب بعضی و کلا چنین نوشته اند (که این شخص در موقعیکه انتخاب شده چنین کرده اگر قبل از انتخاب این اقدامات را کرده بود معقلاً از انتخاب معزوم بود ولی چون بعد از انتخاب این عمل را کرده است معلوم نیست این ماده قانون شامل او می شود یا خیر ؟) بنده عرض می کنم بعد از انتخاب هم این عمل را کرده باشد ظاهراً اعتبارنامه اش باطل است چنانچه رأی که در جلسه قبل مجلس نسبت بیک نفر داده این مطلب را میشود از او استنباط کرد که بطور نیم رسمی مجلس شورای ملی این ماده را تفسیر کرده و یک سابقه پیدا شده خواه قبل از انتخابات خواه بعد از انتخابات یک شخص ایرانی که بر علیه حکومت ملی اقدام کرده از و کالت معزوم میشود در صورتیکه ملاحظه میکنیم ایشان بر علیه حکومت اقدام کرده اند یعنی این قرارداد بر علیه حکومت ملی است و کابینه و نوق الدوله کارهایش همانطور که آقای

طباطبائی فرمودند برخلاف اصول قانون اساسی بوده است حالا آن نقشه ها که شبهه ها خواسته اند و نوشته اند که اگر بعد از انتخاب باشد باید تعیین کرد که تکلیف چیست در مورد ایشان موضوع ندارد بجهت اینکه همان ساعتی که انتخاب شده اند فاقد جزء هم ماده هفتم قانون هفتم قانون انتخابات بوده اند یعنی بر علیه حکومت ملی قیام و اقدام نموده در آن تاریخ هم ایشان هنوز نائب نبوده اند و اگر توبه کرده اند بعد از توفیق جبری یعنی بعد از حبس رفیق خودشان آقا سید ضیاء الدین بوده و در مجلس توبه کرده اند یعنی در موقعی که ایشان راهم در جزء اشخاص کوچک و بزرگ حبس نمودند حتی شنیدم دو نفر بچه های بی گناه چهارده ساله و پانزده ساله مدرسه را هم حبس کرده اند در ضمن حضرت والا را هم حبس کرده اند در دوره دوم میگفتند طهران جزء مطهرات است اگر مجلس آقای سید ضیاء هم جزء مطهرات است نمیدانم انشاء الله آنهم جزء مطهرات است اما مخالف نیستیم ولی مقصود این است که آن توبه را در آن مجلس کرده اند در آن ساعتیکه موکلین و رفته های تعریف های خودشان را در کرمانشاهان بنام نامی شاهزاده نصرت الدوله در صندوق آراء میریختند آنوقت ایشان نائب نبوده اند و برخلاف حکومت ملی معاهده را امضاء کرده بودند و دارای شرط انتخاب شدن نبودند این مسئله مثل کسی است که در آن تاریخ سن باو اجازه نداده باشد باو تهره داده باشد حالا که چهار پنجاه گذشته نمیتوانیم بگوئیم آنوقت دو سال سنش کم بود حالا سنش تقاضا میکند حالا که الحمد الله ماشاء الله بزرگ شده دیگر چه اشکالی داریم ایشان آنوقت هم نائب نبودند بجمعه الله که حالا نائب هستند ان الله یحب التوابین و یحب المتطهرین . آما و صدقنا اما توبه ایشان مثل توبه همه ماها میباشد که در بین نماز که میخواهیم میگوئیم استغفرالله ربی و اتوب الیه و بقول یکی از رفقا قصد انشاء نداریم و شاید در عین همان حال و همان ساعت همان تقصیر یا شبهه آن تقصیر را میکنیم . بیخشید اگر زیاد عرض کردم نمیخواهم اظهار فضل کرده باشم البته آقای مدرس بهتر از بنده میدانند اگر رجوع کنیم بکتاب مقدس هیچ ابلاغه در قسمت ثانی از خطاب شخص اول عالم اسلام حضرت امیر المؤمنین (ع) ملاحظه خواهد شد که شخصی حضور مقدسشان عرض کرد استغفرالله ربی و اتوب الیه فرمودند شکلت امک آیا معنی استغفار را میدانی و میگوئی استغفرالله ربی و اتوب الیه ؟ عرض کرد قربانت بروم معنی استغفار چیست فرمودند استغفار هفت شرط دارد یکی از شرائطش این است که آن گواشتیکه در معصیت خداوند در بدن روئیده شده است باید آن قدر در راه عبادت و ریاضت خداوندی مصرف شود که چیزی از آن باقی نماند و پوست و گوشت و استخوان مجید بر روی و سایر شرائطش کذکر شده آنوقت حق دارد بگوید استغفرالله ربی و اتوب الیه و الله آنوقت خداوند آن توبه را پذیرفته و قبول میکند و میبخشد البته ما هر چه

بگوئیم بخششان زیاد است بدرجه گذشت و بخشش خداوند رحمن و رحیم نخواهد رسید . خداوند عمل میخواند والا بنده هم با آقای مدرس مخالفتی ندارم نمیخواهم نمودارانه سبب شوم کسیکه دست بطرف ایران دراز میکند و میگوید من الان باشما برادر هستیم دست خود را بکشم معاذ الله منهم دست برادری بطرف ایشان دراز میکنم چرا ؟ کیکنفر ایرانی هستند در صورتیکه این توبه خودشان را بعمل پس از چندی اثبات میکنند تصدیق میکنم که ایشان یک عضو فعال و تحصیل کرده با اطلاع و جدی هستند و تمام صفات کار کردن در ایشان هست بنده که طرفدار معارف هستم میل دارم که همه ایرانیان تحصیلشان با اندازه ایشان باشد اما بهجوت آرزو نمیکم که نمایندگان مثل ایشان باشد یعنی تا چند روز قبل عملیات ایشان انصافاً خوب نبود این چیزی نیست که بتوان آنرا پرده پوشی کرد والا بنده هیچ خیالی ندارم و نمیخواهم یک اشکال تراشهایی بکنم والا وقتی که شروع به مذاکره انتخابات میشد میتوانستم حرف بزنم و بی اطلاع هم نیستم که نمایندگان ما هم اکثرشان با بنده رفیق هستند ایل سنجایی هم که انصافاً بزرگترین خدمتگذار مملکت است در موضوع شخص بنده کمال همراهی را داشته اما دیدم جریان این انتخابات مثل جریان سایر انتخابات ایران است آنوقت که آقای رئیس فرمودند راجع بجرایان انتخابات حرفی داری بنده اگر میخواستم اعمال یک نظریات خصوصی بکنم مثل حالا میتوانستم ساعت آقایان را معلوم بکنم ولی نمیخواستم در این موضوع صحبت بکنم البته هر انتخابی یک اشکالی دارد ولی چون دریای معین منبر نطق دوقلمه بقرآن قسم خورده ام که حافظ حقوق ملی ایران باشم و حقوق ملت ایران را مطابق قانون اساسی و قوانین دیگر حفظ کنم این است که میبینم یکی از قوانین و یکی از حقوق اصلی ملت را ایشان خراب کرده اند با اینجهت بنده با ایشان مخالفت دارم و حق میدهم بخودم از طرف دیگر همانطوریکه آقای مدرس فرمودند توبه ایشان را بنده هم موافق و قبول میکنم و دست بطرف ایشان دراز میکنم اما بعد از اینکه عملیات سابق خودشان را تارتک بگویند بطوریکه خدمات ایشان را بعد از چندی کسی نتواند تردید بکند خدمت به ملت هم تنها و کالت مجلس شورای ملی نیست ممکن است این مسئله را رجوع بکمسیون بکنند بنده نظریه شخصی ندارم و نظریه شخصی بنده جز معارف مفت قانون انتخابات است و چون ایشان برخلاف حکومت ملی اقدام کرده اند بو کالت ایشان رای نمیدهم حالا میبایست سر تلگراف لاسینک خیلی کوچک است یک مسئله دیگر هم که ضمیمه قرار داد است راجع ببالیه بدبخت این مملکت است که باز امضاء شده و در این جریان نیست و این است یکس از خدمات کابینه و توفیق الدوله که بعد در موقع دیگری خواهم خواند و اگر مصلحت میدانند حالا بخوانم . (بعضی اظهار نمودند بخوانید)

نصرت الدوله - همه را بخوانید .

سلیمان میرزا - شماره ۱۲۹ روزنامه مردم یعنی آقا سید ضیاء الدین مقاله نوشته اند که مختصراً

عرض خواهم کرد - (حقیقت چیست - حقیقت گوئی است)
رئیس - آقایان مایل به تنفس نیستند ؟ که چند دقیقه تنفس شده دوباره آقای سلیمان میرزا نطق میکنند .
(بعضی اظهار نمودند تلگراف را بخوانند بعد (بعضی من ذیل قرائت نمودند))
اینک ابلاغیه سفارت آمریکا - از طرف سفارت آمریکا مورخه ۹ سپتامبر ۱۹۱۹ نظر بطالب غیر واقعی که در مقاله مورخه نوزدهم اوت روزنامه رعد راجع برویه (یزیدات ویلسن) و مأمورین صلح آمریکا و مملکت اتا زونی نسبت بایران مندرج بود مقتضی است ابلاغیه که از واشنگتن صادر شده است تقدیم دارد . طهران - سفارت آمریکا - دولت اتا زونی بشما تعلیم میدهد نزد زمامداران ایران و اشخاص علاقمند این مسئله را تذکیر نماید که دولت اتا زونی از مساعدت نسبت بایران امتناع ورزیده است . آمریکا همواره علاقه خود را برای سعادت ایران بطریق بسیار اظهار و ابراز داشته نمائند گانیکه از طرف دولت اتا زونی در کمسیون صلح پاریس عضویت داشته اند مکرر کوشش و مجاهدت کرده اند سخنان نمایندگان ایران را در کنفرانس صلح مورد استماع قرار دهند نمایندگان آمریکا متعجب بودند چرا مجاهدات آنها بیش از این بتقویت و مساعدت تلقی نمیشود لیکن اکنون معاهد جدید معلوم میدارد که بچه علت امریکائیان قادر نبودند سخنان نمایندگان ایران را با صفا بپرسانند و نیز معلوم میگردد که دولت ایران در طهران با مسامی نمایندگان خود در پاریس مساعدت و تقویت کافی ننمود . دولت اتا زونی معاهده جدید ایران و انگلستان را با تعجب تلقی نمیداند . معاهده مزبوره معلوم میدارد با وصف آنکه نمایندگان ایران در پاریس علناً و مؤکداً طالب مساعدت و همراهی آمریکا بودند ایران از این بیمد مایل بکمک یا تقویت آمریکا نمی باشد .

سلیمان میرزا - باری این مراسله سفارت

که روزنامه رعد در این شماره درج کرده و آقای طباطبائی هم مختصری اظهار کردند شاید اثبات می کند که این هیئت کاول از طرف کابینه و توفیق الدوله بارویا رفت و مشارالیه مالک رئیس آنها بود بعضی اتهامات کردند شاید آن هیئت در آنجا بانمایندگان آمریکا بعضی صحبتها کرده باشند و بعضی دیگر شکایاتی از آنها بدولت ایران کرده باشند مطابق این تلگراف آمریکا با آنها همه قسم در کنفرانس صلح بین المللی مساعدت کرده و لایق قطع دیده اند که این کار از آنها پیش نمیرود و آنوقت هنوز معاهده بین دولتی در جریان خصوصی بوده بعد که معاهده بیرون آمده آمریکائیان استدراک میکنند که علت اینکه نمایندگان ایران با وجود تقویت دولت بزرگی مثل آمریکا در آنجا کارشان پیش نمیرفت از طهران بآنها کمک میشد و این کمک هم از طرف وزیر خارجه بوده او کمک میکرد و شاید

میتوان گفت مسئله قدری عملی ثابت شده بعد از اینکه وزیر خارجه بارویا رفته اند هیئت را تغییر داده اند و معزول کرده اند باری اینها بصورت است اما راجع بضمیمه قرارداد شاید آقایان شنیده باشند بنده نشنیده باشم نمیدانم بهر حال بنده نسخه فرانسه را بدست آورده ام و خودم ترجمه کرده ام اگر در ترجمه آن تغییر و قصوری شده است شاید بواسطه بی اطلاعی بنده از فرانسه بوده است (متن قرارداد مالیه) به بیستم آقایان چه بلای بر سر ما آورده اند در آن تاریخ هم که هنوز توبه نکرده بودند .

۱ - دولت انگلیس قبول نمیداند یک قرضه دو میلیون استرلینگ با قسط در تاریخی که توسط دولت ایران تعیین میگردد پس از آنکه مستشار های مالیه دولت انگلیس در تهران شروع بکار نمایند بدولت ایران مطابق قرار دادیکه در فوق پیش بینی گردیده بدین وجهه است که دولت ایران متعهد میگردد که برای کلیه وجوه استیکه مطابق ماده ۱ تا تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۲۱ داده میشود ۷ در صد تنزیل بدهد و پس از این تاریخ همراهه ببالغ لازمه را برای پرداخت اصل و منافع از قرار ۷ در صد تا مدت ۲۰ سال بپردازد .
۳ - تمام عایدات گمرکی که بموجب کتورات ۸ مه ۱۹۱۱ برای تأدیه قرض ۱۲۵۰۰۰۰ لیره تخصیص داده شده بود برای پرداخت قرض حاضر تخصیص داده شده با ادامه تمام شرائطی که در کتورات مذکور بعمل آمده است با حق تقدم از تمام قروض با استثنای قرض ۱۹۱۱ و مساعدت هائیکه بعد ها توسط انگلیس داده میشود . چنانچه عایداتیکه در فوق ذکر گردید کفایت ننماید دولت ایران متعهد می شود بمبالغ لازم را بوسیله عایدات دیگری تأدیه نماید و برای این مقصود دولت ایران بموجب مراتب حاضره برای این قرض و مساعدت های دیگر که در فوق ذکر شد با حق تقدم و ادامه دادن شرائطی که در فوق تعیین گردید تمام عایدات گمرکی کلیه مناطق را تا حدیکه در تحت اختیار خود دارد تخصیص میدهد .

۴ - دولت ایران حق دارد هر موقعی که خواسته باشد قرض حاضر را بوسیله قرضه دیگری از دولت انگلیس بپردازد ۹ اوت در طهران بمضاء رسیده است .

نصرت الدوله - در همان موقع چاپ شده است .

سلیمان میرزا - بنده عرض کردم و اول عفرش را خواستم که نمیدانم باز اینجایک قدری دیگر هم هست اگر اجازه بفرمایید آنرا هم بخوانم کاغذ ثانی سریرس کاکس بعنوان رئیس الوزراء مورخه ۹ اوت ۱۹۱۹ در خصوص مبحث دومی که در کاغذ سابق اینجانب مورخه امروز ذکر گردید در بین دولتی توافقی نظر حاصل گردیده که از طرفی دولت انگلیس مطالبه مخارج نگاهداری قشونی را که بواسطه عدم

استطاعت دولت ایران از حفظ بیطرفی خود مجبور بوده است بایران اعزام دارد نمینماید . و از طرفی هم دولت ایران مطالبه خسارات را که وجود قشون مزبور در خاک ایران موجب میگردد نخواهد نمود . واضح است که این قرارداد را قیامین تقاضای اشخاص یا مؤسسات را که جدا گانه در تحت مطالعه گذاره میشود لغو نخواهد کرد . یک یادداشت از طرف حضرت اشرف بنام دولت ایران که حاکی از قبول این قرارداد داد باشد برای عقد قرارداد دولتی کفایت خواهد کرد .

سلیمان میرزا - این است آنچه گذشته است بر سر مملکت بدبخت ما در کابینه و توفیق الدوله اگر دوسیه های خصوصی وزارت خارجه در دست باشد خیلی از این تلگرافات فتنه را شاید بخوانیم بارها گفته شده که این قرارداد منحوس لغو شده و بنده تا حال اسمی از این قرارداد مالیه نشنیده بودم و حالا فرمودند چاپ شده بنده نمیدانستم حالا میبشوم البته آن قرارداد که لغو شده ضمیمه اش بطریق اولی لغو است ولیکن چون این راجع بمالیه است و از وظایف حتمیه عموم و کلاست و حتی و بنده هم که اعتبار نامه ام هنوز نگذاشته چون مدعی الو کاله هستم عرض میکنم وظیفه عموم و کلاست که در عمل مالیه مداخله بکنند بنده استدعا دارم از تمام آقایان رفقای خودم که بقین دارم با بنده هم عقیده هستند بصدا ی بنده فریاد کنند که این قرارداد و سایر قراردادهای لغو و ملغی و بیچوجه رسمیت بآنها داده نمیشود و ساقط است (جمع کنیزی تصدیق کردند) و مجلس شورای ملی باتفاق کلمه این نوع قراردادهای را منقور میداند و عملاً اورا لغو و در اولین امکان بر بلاش رای خواهد داد .

مدرس - توضیح دارم .
رئیس - ده دقیقه تنفس میکنیم بعد از تنفس توضیح بدهید .

مدرس - خیلی مختصر است .
رئیس - بفرمایید .

مدرس - هر چند شاهزاده سنبان میرزا در ضمن فرمایشاتشان مطلب مرا یک نویبان دیگر فرمودند : اولاً بنده عرض کردم که این ۶۸۴ نفر موافقین قرار داد باید در محکمه محاکمه بشوند ! مقصر ! قاصر ! کاسب ! عمله ! معین بشود و بهر کس بقدر تقصیر مجازات داده شود بنده منکر مجازات نیستم شما میفرمائید مجازات . مجازات میگویم این ۶۸۴ نفر را با عیالاتشان ضبط کرده ام که اگر یک مجلس شورای ملی برپا شود و یک حکومت ملی پیدا بشود اینها را باید در تحت محاکمه بکشند اما مقصر مجازاتی دارد . سیاسی مجازاتی دارد . قاصر مجازاتی دارد ناطق مجازاتی دارد . ساکت مجازاتی دارد پس آرا باز تکرار میکنم که مقصر باید مجازات شود توبه کرک مرک است میگویم یک دولتی یا از روی تقصیر یا از روی قصور خواست بعقبه خود یک قرار دادی بگذارند و ملت هم آمدند و فریاد زدند مضراست مضر است عاقبت پیشرفت با ملت ضعیف شد این دخلی

بقانون انتخابات ندارد دخلی به صلاحیت ندارد دخلی بقیام و اقدام بر ضد حکومت ملی ندارد دوست داریم که حضرت والا امروز که مجلس آمده و انشاء الله همانطور که سی ماه با هم در سفر بودیم بسادگی با هم داخل سیاست شویم انشاء الله مفاصله و مشبه کاری نکنند شاید مردم خیال کنند که مجلس خیلی بد است ولی بعقبه بنده باین بدیها که مردم خیال میکنند نیست امید است باتفاق کار های بزرگ و سیاستهایی که شما ها میدانید نسبت بخارجه و داخله از لاسیتیک در آمده مجدداً عرض میکنم مذهب من اجازه نمیدهد که مقصراً نباید مجازات داد میگویم محکمه که رسیدگی بکند که آقای و توفیق الدوله عن تقصیر یا عن قصور این قرارداد را بدست نفعید و پیش بینی نکرد که این قرارداد هم از برای مامض است و هم برای همسایگان نتیجه او بر همسایگان این شد که تمام ایرانیان از انگلیس مکرر و متغیر شدند و ما هم فهمیدیم که بدیانت و استقلال ما ضرر دارد لهذا جلوگیری کردیم اگر دولتی قراردادی ببندد بر خلاف صلاح مملکت نمیتوان او را مصداق اقدام برخلاف حکومت ملی قرار داد هیچ مناسبت ندارد . (جمعی گفتند صحیح است) خواهش دارم اگر حضرت والا بقدر من آقای نصرت الدوله را نمیخوانند اسم دیگری رویش بگذارند غیر از اینکه قیام و (اقدام بر ضد حکومت) ملی نمودند اظهار دیگر بفرمایند من و حضرت والا مهاجرت کردیم به نیت خوب نتیجه بد درآمد تقصیر ما چه بود در بیایانها در جنگها در دریا ها سفر کردیم ما در جنگها بلوط هم میخوردیم بامیدواری اینکه نتیجه او خوب شود چکنیم خدا نخواست تقصیر باکی است خدا شاهد است باین عقیده صاف و پاکی بدولت و ملت رفتیم که چیزی برای ملت بیاریم ولی نشد . و توفیق الدوله با رفقای خود پیش بینی نکردند که این قرارداد مضر بدیانت و استقلال این آب و خاک است من و امثال من در همان ساعت اول این ضرر را ادراک کرده و عموم ملت موافقت کردند آقای طباطبائی که فرمودند قرض کردن و امتیاز دادن و و اقدام بر ضد حکومت ملی است خوب است دولتی را معرفی نمایند که برخلاف این مواد رفتار نکرده تا ما بگوئیم این اقدام بر ضد حکومت ملی است (گفته شد صحیح است) اشکالات راجع بانتخابات که فرمودند جواب آنها با آقای حاج شیخ اسدالله است اهتمام من بمسئله سیاست است که نصرت الدوله بجهت موافقت با قرار داد و صلاحیت و کالت مجلس شورای ملی خارج میشود یا خیر حضرت والا فرمودند قسم خوردیم من قسم خورده و قسم نخورده غیرواقع را نمیگویم نه اقدام میکنم و نه قبول میکنم .
رئیس - آقای مدرس باسم توضیح یک نطق مفصلی فرمودند ده دقیقه تنفس است .
(در این موقع آقایان نمایندگان از مجلس خارج شده و پس از یک ربع ساعت مجدداً مجلس تشکیل شد) .
رئیس - قصد بنده این بود که بعد از تنفس

مذاکرات اعاده شود بخیال آنکه امروز بخت مسئله که مطرح مذاکره بود موفق بشویم ولی معلوم میشود که عده آقایان ناطقین زیاد هست اگر آقایان موافق باشند بقیه مذاکرات بماند برای روز سه شنبه .

محمد هاشم میرزا - بنده پیشنهاد میکنم فردا باشد .

رئیس - عده برای گرفتن رای کافی نیست موافق معمول هم دوشنبه تعطیل است اگر آقایان موافق باشند بماند برای روز سه شنبه . یک مسئله دیگر را هم میخواستیم به آقایان تذکر بدیم و آن این است که چنانچه ملاحظه فرمودید این دو جلسه گذشته هیچ شهادتی بسایر مجالس نداشت و بنده عداً از اجرای حدود و نظامات و اختیاراتیکه در نظامنامه قید شده صرف نظر کردم برای اینکه گفته نشود مانع آزادی نطق شده ام و میخواستیم تمام مطالب گفته بشود ولی از آقایان عدم خواهم شنیدم از بعضی عبارات که ممکن است سوء تفسیر بشود خودداری بفرمایند چون لفظ آدم کشی و بعضی عبارات دیگر گفته شد و بنده خیلی مایل هستم اینطور تصور بکنم که از روی اشتباه بوده و حاکی از حساسات آقایان ناطقین نبوده امیدوارم در جلسات دیگر رعایت این نکته کاملاً بشود که بنده مجبور نشوم متوسل بمقاد مواد نظامنامه داخلی بشوم و همانطوریکه داخواه خودم است نمیخواهم طوری باشد که کاملاً از روی آزادی مطالب هر چه هست گفته بشود . جلسه آتی را هم عرض کردم روز سه شنبه ۲۷ چهار ساعت قبل از ظهر خواهد بود .

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس مؤتمن الملک

جلسه ۶
صورت مشروح مجلس صبح یوم سه شنبه ۲۷ ذی قعدة ۱۳۳۹ مطابق دهم اسد ۱۳۰۰

مجلس دوساعت و نیم قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید .

رئیس - صورت مجلس قرائت میشود (آقای مستشار السلطنة صورت مجلس را قرائت فرمودند) .

رئیس - راجع بصورت مجلس مخالفی هست یا نیست ؟

حاج شیخ اسدالله - راجع بخروج نمایندگان از مجلس برای تنفس اجازه رئیس بوده نه به میل خودشان .

رئیس - تنفس بر حسب میل مجلس است نه بر حسب اجازه بنده .

مدرس - نسبت به توضیحی که در آخر مجلس عرض کردم در صورت مجلس هیچ اشاره نشده است .

رئیس - این صورت خلاصه است توضیحاتی که فرمودید در صورت مشروح مجلس نوشته اند از ظهر به بعد در اطلاق تنفس حاضر خواهد بود هر یک از